جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
پنج‌شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۸- ۱۶ شوال ۱۴۴۰
سال بیست‌ویکم- شماره ۵۶۷۹ - ۱۶ صفحه
قیمت: تهران و استان البرز ۱۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها ۵۰۰ تومان

سیاسی

روحانی: ترامپ گفته درباره ایران اشتباه کرده است

ترامپ به یکی از رهبران جهان گفته است بولتون فکر می‌کرد که ما اگر به ایران فشار بیاوریم می‌توانیم این کشور را به زانو درآوریم و حالا خودش هم فهمیده اشتباه کرده است

صفحه ۵

وزرای خارجه تروئیکای اروپایی ظاهراً قرار است برای حفظ برجام و در حقیقت برای معطل و معلق نگه داشتن ما به ایران سفر کنند

اروپا دنبال معجزه نگه داشتن ایران در برجام

اروپایی که همین یک هفته پیش از زبان فرستاده خود، وزیر خارجه آلمان، گفته بود نمی‌تواند درباره برجام معجزه کند، حالا و با اقدامات گام‌به‌گام ایران در کاهش تعهدات برجامی، به نظر می‌رسد که به فکر معجزه افتاده است و می‌خواهد وزرای خارجه تروئیکای اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) را به ایران بفرستد. برخی معتقدند چالش ایران با اروپا در برجام بسیار سخت‌تر از چالش با امریکا است چون این خارج شد و صریح است اما آنها عمل نمی‌کنند و اجرای برجام را معجزه می‌دانند اما از ما می‌خواهند اجرا کنیم و دم بر نیاوریم!

اروپا نزدیک به هفت سال مذاکره برجام را با ایران کش داد و سپس با ظریف دو سالی آن را ادامه داد. دست‌کم در این دو سال، کشور معطل نتیجه مذاکرات ماند. وقتی برجام تصویب شد باز هم کشور معطل ماند، چون برجام را اروپا اجرا نکرد. سپس امریکا خارج شد و معطلی دیگری پیش آمد. حالا اروپایی‌ها از ما یک «معطلی کلان» می‌خواهند: «ما برجام را اجرا نمی‌کنیم اما شما خارج نشوید!»

اینکه وزرای خارجه سه کشور اروپایی می‌خواهند به ایران بیایند، هیچ تعبیر و تفسیری ندارد، جز اینکه آنها ترسیده‌اند که شاید این معطلی به نقطه پایانی خود برسد | ادامه در صفحه ۱۵

فرمانده کل سپاه:

پشت منطق مذاکره تسلیم نهفته است

ما به پیروزی نزدیک هستیم و تنها راه حل ما مقاومت است که بر مصلحت ملی و انقلابی ما منطبق است

همین صفحه

ویژه‌های جوان

- اکانت فیک منافقین و همکاری توئیتر برای حذف نشدن آن
- روزنامه حزب کارگزاران آمار اقتصادی دولت را بی‌اعتبار دانست

صفحه ۲

یادداشت‌های امروز

۱ من و دوست پیپی — حسین قدیانی
۱ غرب، ناامید از مردم و دلگرم به یک طیف — محمداسماعیلی
۲ شکست مفتضحانه اطلاعاتی امریکا — حسن رشوند
۱۵ امریکا؛ از راهبرد پنهانکاری تا شفافیت جنایتکارانه / هادی محمدی

۴

زندگی بهتر با وزارت بازرگانی!

روحانی وعده بهبود وضع مردم و بازار را پس از یک هفته از تشکیل وزارت بازرگانی داد

۲

رئیس قوه قضائیه:

برخورد با قضات مسئله‌دار تشدید می‌شود

۵

۳ هدف امریکا از اتهام‌زنی به ایران در حمله به نفتکش‌ها

۲

کلاهبرداری ۱۵ متهم از ۱۱۷۰ نفر با فریب تحویل فوری خودرو

نخستین جلسه رسیدگی به اتهامات پرونده شرکت کیمیاخودرو برگزار شد

۱۴

رئیس پلیس پایتخت در پاسخ به «جوان»:

سرقت‌های خرد شیب ملایم صعودی دارد

۱۶

هار شدن اپوزیسیون توئیتری از بوی کباب ۱/۵ میلیون دلاری

امریکا مجبور شد بودجه فعالیت «ایران دیس اینفو» را معلق کند

غرب، ناامید از مردم و دلگرم به یک طیف

یادداشت

محمد اسماعیلی

سخنان روز گذشته مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا در پایگاه هوایی مک‌دیل در فلوریدا درباره ضرورت استمرار دشمنی‌ها با جمهوری اسلامی ایران را می‌توان از ابعاد مختلف مورد ارزیابی قرار داد.

لحن وزیر خارجه امریکا همانند بسیاری از مقامات ارشد دولت این کشور در هفته‌های اخیر، دچار چرخش محسوس از سمت لحن «گستاخانه و طلبکارانه دیروز» برای پذیرش شروط آنها به لحن «خواهش‌مآبانه» تبدیل شده است، هرچند پمپئو همانند سایر مقامات امریکایی در این سخنرانی تلاش می‌کند حفظ ظاهر کرده و به ظاهر با تهدید ایران، کشورمان را از ادامه فعالیت‌هایی که آنها از آن عصبانی هستند، پرهیز دهد. اما علت اینکه امریکایی‌ها همانند یک‌سال و نیم پیش از ادامه فشارهای اقتصادی و غیراقتصادی به ایران اظهار خوش‌بینی نمی‌کنند، این است که اوضاع داخلی کشور همانگونه که غرب پیش‌بینی کرد، پیش نرفته است و تلاش‌های گسترده آنها برای ایجاد «شورش‌های اجتماعی -اقتصادی» به‌واسطه «افزایش تحریم‌های اقتصادی»، «متهم کردن مسئولان ارشد نظام به رانت و فساد اقتصادی» و «متهم کردن نظام به ناتوانی‌های مدیریتی و اجرایی» به بن‌بست رسیده است.

وزیر خارجه امریکا در بخشی از سخنان خود که از لزوم تشدید فشارها به ایران می‌گوید، به صورت تلویحی به ناتوانی دولت‌های امریکا در برابر توسعه گفتمان انقلاب اسلامی و قدرت دفاعی کشورمان و واکسینه شدن کشور در برابر تحریم‌های بین‌المللی اعتراف می‌کند.

در دو سال اخیر برای بحران‌آفرینی در ایران، غرب تلاش کرد اهداف خود را در سه حوزه اجرایی کند: ۱- «سازمان یافته کردن نارضایتی‌ها و اعتراضات در ایران»، ۲- «اعمال یک رهبری واحد در اپوزیسیون و نیروهای مخالف حاکمیت (اپوزیسیون داخلی و خارجی)» و ۳- «ایجاد اختلاف بین احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران برای التهاب‌آفرینی و ایجاد بستر لازم نارضایتی». محور سه اقدام فوق جریان زاویه‌دار با انقلاب در داخل کشور است که امریکا از سالیان پیش تاکنون در تلاش بوده این طیف سیاسی را تقویت و زمینه قدرت‌گیری آنها را درعرصه سیاسی و اجرایی فراهم کند.

طی هفته‌های اخیر به ندرت دولتمردان غربی (برخلاف ماه‌های گذشته) افکار عمومی داخلی ایران را مورد خطاب مستقیم قرار داده و با اتهام افکنی نسبت به مسئولان ارشد کشور، تلاش می‌کنند مردم را نسبت به توانایی مقامات کشور بدبین، اتهامات گسترده مالی -اقتصادی علیه سیاستمداران ایرانی طرح و مردم را علیه آنها بشورانند. کمااینکه وزیر خارجه امریکا در ناامیدی از نقش پذیری مطلوب مردم ایران باب طبع امریکا، «مذاکره» را تنها مسیر دستیابی به کاهش تنش‌ها با ایران معرفی می‌کند.

بر اساس آنچه اشاره شد «امید» امریکایی‌ها به تغییر رفتار ایران بر پایه تاکتیک‌های ایجاد فشار علیه نظام برای تن دادن به خواسته‌های غرب با افکارعمومی داخلی کاملاً رنگ باخته است و بر همین منوال آنها معتقدند با ادامه مسیر کنونی، ایران حاضر به پذیرش مذاکرات جدید موشکی یا منطقه‌ای نیست.

اما بر اساس تجربیات سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امریکا همچنان بر سودمند بودن یک گزاره برای ایجاد «حاکمیت دوگانه» در کشور و به تبع آن ایجاد انعطاف در نظام در پذیرش گزینه «سازش» به جای «مقاومت» بسیار امیدوار است و آن گزینه، تقویت جریان منعطف در برابر خود است. همان گزینه‌ای که بسیاری از اندیشمندان و مراکز تحقیقاتی - جاسوسی غربی طی ماه‌های اخیر از تضعیف و تخفیف آن توسط دونالد ترامپ هشدار می‌دادند.

سایت فارن افرز (وابسته به شورای روابط خارجی امریکا به ریاست ریچارد هاس) در گزارش‌های مهمی بارها به دولت امریکا تأکید کرده است که باید به کسانی که در ایران ارزش‌های مشترکی با امریکا دارند کمک کرد و در بخشی از یکی از مقالات خود در این باره می‌نویسد: «امریکا با گروه‌های اپوزیسیون خارجی (ایران) کار کند چرا که باید یک تلاش چند بعدی به منظور ایجاد ارتباطات و فراهم کردن حمایت از مخالفان در ایران وجود داشته باشد؛ همان کاری که امریکا در حمایت از اتحادیه همبستگی در لهستان و دیگر نیروهای مدنی در اروپای شرقی انجام داد.»

یا کمیته اقتصاد و امنیت مجمع پارلمانی ناتو در یکی از تازه‌ترین گزارش‌های خود درباره بهره‌گیری از ابزار تحریم‌های اقتصادی در سیاست خارجی توصیه می‌کند: «یکی از خطرات پیش‌رو در روند بهره‌گیری از ابزار تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران این است که اصلاح‌طلبان در کشور مقصر وضعیت سخت شناخته شوند. در این صورت نیروهای انقلابی که خود از عوامل اصلی دور زدن تحریم‌ها هستند، به روی کار خواهند آمد که این امر خطر جدی در مقابل سیاست‌های امریکا در این کشور و منطقه خواهد بود.» بر اساس گزارش‌هایی متراکم و مشابهی که سایر اندیشکده‌ها و اندیشه‌ورزان غربی از تحولات داخلی ایران منتشر می‌کنند مهم‌ترین نگرانی امروز غرب، ارتقای وضعیت اجتماعی -سیاسی جریان انقلابی و متقابلاً تضعیف جریان غربگرای داخلی است به طوری که تاکنون بارها مراکز شبه تحقیقاتی غربی ضمن اشاره به ناکارآمدی تحریم‌ها و فشار بر ایران، تنها عامل جهت استانداردسازی ایران را ارتقای وضعیت سیاسی -اجرایی این طیف و انباشت قدرت در انتخابات پیش‌رو می‌دانند.

فرمانده کل سپاه: پشت منطق مذاکره، تسلیم نهفته است

جامعه

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بیان اینکه پشت سر منطق مذاکره، جنگ و تخلیه شدن از قدرت و تسلیم نهفته است، گفت: ما به پیروزی نزدیک هستیم و تنها راه حل ما مقاومت است که بر مصلحت ملی و انقلابی ما منطبق است.

به گزارش سپاه‌نیوز، سرلشکر حسین سلامی در آیین ملی استاد تراز انقلاب اسلامی که در دانشگاه صنعتی امیرکبیر تهران برگزار شد، با اشاره به سالروز شهادت شهید چمران، اظهار داشت: شاید هیچ‌کس مثل شهید چمران نسبت به شخصیت خود بصیر نبود و هرگز جاذبه و شکوه تمدن غرب او را مرعوب نکرد و علمش مانع جنگش نشد و از دانشگاه به میدان جهاد هجرت کرد. وی افزود: انسانیت به صورت کامل در شخصیت شهید چمران تجلی پیدا کرد و در کنار لطافت و مهربانی که مظهری از عاطفه بود، همچون کوهی از حدید در مقابل کفار می‌ایستاد.

فرمانده کل سپاه با بیان اینکه ترکیبی از علم، هنر و اندیشه از شهید چمران انسانی جاودان برای جامعه ساخته بود، خاطرنشان کرد: بذرهایی که او در تفکر جوانان و کودکان لبنان کاشت، امروز شجره طیبه‌ای به نام حزب‌الله شده که در جهان اسلام می‌درخشد. سلامی تأکید کرد: ملت‌ها برای رشد یافتن، نیاز به منابع تولید هویت پایدار دارند، البته عواملی چون اقتصاد، جمعیت، قدرت دفاعی و وسعت جغرافیایی نیز مهم هستند، اما هیچ عاملی مانند منبع تولید هویت به‌عنوان قدرت وجود ندارد. وی با بیان اینکه در دوران رژیم پهلوی کشور در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و دفاع وابسته به کشورهای بیگانه بود، گفت: در آن زمان ایران به نوعی یک ایالت از یک قدرت دیگر بود و اجازه و امکان انجام رسالت خود را نداشت، اما همین که ولایت و رهبری بر کشور حاکم شد، منابع قدرت ملی این کشور جوشان و بی پایان شد. فرمانده کل سپاه ادامه داد: بر اساس تحقیقات انجام شده در خصوص نقاط ضعف امریکا، اعلام می‌کنند که بزرگ‌ترین ضعف در امریکا فقدان رهبری فردی روحانی است، شما ببینید رهبری کشوری با این همه ادعا فردی است مانند ترامپ که فاقد عقل و تدبیر لازم است. سرلشکر سلامی با تأکید بر این موضوع که شاخص‌های ظاهری تعیین‌کننده قدرت کشور نیست، تصریح کرد: معنویت، هویت و رهبری منابع قدرت کشورها هستند. ما از میدان جنگ می‌آییم و آرایش جنگی دشمن را می‌بینیم؛ بنابراین درک ما از شاخص‌های ظاهری قدرت عینی است و می‌دانیم کدام قدرت با گذشت زمان فرسوده می‌شود. وی با اشاره به برگزاری آیین ملی استاد تراز انقلاب اسلامی، اظهار داشت: استادان به عنوان سازندگان اصلی ایمان، فضیلت و علم جوانان هستند و در واقع سازندگان اصلی سازه‌های قدرت انقلابند. فرمانده کل سپاه با اشاره به خاطرات مشترک خود با شهید طهرانی مقدم، گفت: ۱۲ سال پیش با شهید طهرانی مقدم به دنبال راهی برای پایان دادن به داستان ناوهای هواپیمابر امریکا در منطقه بودیم و می‌بایست موشک‌های بالستیک این کار را می‌کردند زیرا موشک‌های کروز به دلیل سرعت و مسیر حرکت در نزدیکی زمین آسیب‌پذیری داشتند، اما موشک‌های بالستیک با سرعتی چند برابر صوت به هدف برخورد می‌کنند و هدف قرار دادن آنها با موشک‌های ضد موشک کار دشواری است، اما نیازمند فناوری بودیم که اهداف را با دقت صددرصد هدف قرار دهد، در ۱۵ سال پیش این یک آرزو بود.

سرلشکر سلامی ادامه داد: اگر به این فناوری دست می‌یافتیم می‌توانستیم ناوها را هدف قرار دهیم، آزمایش‌های بسیاری انجام داده و شکست می‌خورد، اما این شهید بزرگ ناامید نشد تا یک روز این اتفاق افتاد. اگرچه باور کردنی نبود اما موشک دقیقاً به هدف برخورد و ما توانستیم توازن قدرت را تغییر دهیم. این نتیجه یک تفکر جهادی بود.

بیمارستان‌های ایران پروانه فعالیت دائم ندارند!

جامعه

فرقی نمی‌کند شما سر و کارتان به کدام بیمارستان بیفتد؛ از بیمارستان‌های دولتی گرفته تا هتل بیمارستانی همچون عرفان نیایش در حال حاضر هیچ‌کدام از این بیمارستان‌ها پروانه بهره‌برداری دائم ندارند و با پروانه موقت کار می‌کنند. این را دکتر غلامرضا فنایی عضو هیئت مدیره بیمارستان عرفان نیایش می‌گوید. البته ظاهراً پروانه موقت از سوی وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی صادر می‌شود اما تدارک مجوزهای خاص مورد نیاز برای گرفتن پروانه دائم آنقدر زمانبر و خاص است که ظاهراً خود وزارت بهداشت هم از خیر موکول کردن آغاز فعالیت بیمارستان‌ها تا زمان صدور پروانه دائم گذشته و با پروانه بهره‌برداری موقت به بیمارستان‌ها اجازه کار می‌دهد.

سوژه این گزارش از نامه‌ای به مدیر کل دفتر نظارت و اعتاربخشی امور درمان وزارت بهداشت برای اعطای گواهینامه تشویقی درجه یک آغاز شد. این نامه وضعیت پروانه بیمارستان‌های مشمول را مشخص کرده است. نکته قابل تأمل در این بین در دست اقدام بودن صدور پروانه بیمارستان عرفان نیایش به‌رغم سپری شدن دو سال از افتتاح آن است. تاریخ گزارش گیری از سامانه الکترونیکی صدور پروانه هم همین چند روز پیش یعنی ۲۲ خرداد ماه است. بیمارستان‌های دیگر ذکر شده در این فهرست تمدید پروانه‌شان در دست اقدام بود و یکی از بیمارستان‌هایی هم که صدور پروانه‌اش در دست اقدام است در حال حاضر فعالیتی ندارد. پس برای بررسی ابهام فعالیت بدون پروانه بیمارستان عرفان نیایش به سراغ دکتر فرهاد قائمی، رئیس این بیمارستان رفتم. وی در نخستین تماس با بیان اینکه سر کلاس است زمان دیگری را برای مصاحبه تعیین کرد اما در زمان معین تماس‌های مکرر ما با ایشان به پاسخگویی منجر نشد و در نهایت رد تماس و خارج کردن تلفن از دسترس موجب شد به سراغ دکتر غلامرضا فنایی از اعضای هیئت مدیره این بیمارستان برویم. |بقیه در صفحه ۳

من و دوست پیپی

یادداشت

حسین قدیانی

دوستی دارم از عصر دبیرستان که ناظر بر زندگی در این زمانه، اخیراً بیشتر در مجازستان با هم همکلام می‌شویم! خرجش برای جفت‌مان کمتر است! این دوست ما دوم خرداد ۷۶ به آقای «خ» رأی داد و ما به آقای «ن» و دقیقاً همین مسئله شد عامل اختلافات ما که تا الان هم ادامه دارد! موجود یا مورد عجیبی است این دوست نازنین! بگذار چند مثال بزنم؛ یک هفته مانده به ۲ خرداد ۷۶ که تقریباً مطمئن از پیروزی فلانی شده بود، مدام این را می‌گفت که؛ «شک ندارم آقای «خ» انتخابات را می‌برد ولی شرط می‌بندم که با تقلب، اسم آقای «ن» از صندوق در می‌آید!» نتیجه آنکه آقای «خ» انتخابات را برد و صدالبته تقلب هم نشد! این مثال اول! مثال دوم اینکه، حدوداً شش ماه از ۲ خرداد کذایی گذشته بود که خوب یادم هست قیمت لبنیات و میوه و کلاً مایحتاج روزانه ملت از قبیل نان و برنج، بالا کشید! نکته بامزه و بلکه مسخره ماجرا اینجاست که این دوست ما جوری با من طلبکارانه بحث می‌کرد، کأنه آقای «ن» رئیس‌جمهور است و لذا من بدبخت باید مسئولیت رأیم را بپذیرم! گاه که دیگر از کوره در می‌رفتم، خطاب به دوستم می‌گفتم: «مشتی! انصافاً خیلی رو داری! الان این سؤالات درباره گرانی را، تو باید از من بپرسی یا از قضا من از تو؟!»

مثال سوم برمی‌گردد به سال ۸۴ و ذکر اینکه این دوست ما در مرحله اول، رأی داد به معین اما چون یک ضدهاشمی ششدانگ بود، مرحله دوم از سر ناچاری رأی داد به همان که ما به او رأی داده بودیم! طرفه حکایت اینجاست که این دوست عزیز، آن روزها نیز ادعایی داشت که من ضمن عذرخواهی از شما مخاطبان محترم، عین آن را می‌آورم؛ «چون آقای خامنه‌ای با آقای هاشمی، ملاحظاتی از قدیم دارد، شرط چی می‌بندی که ما انتخابات را می‌بریم اما آقای هاشمی، فرد پیروز اعلام می‌شود!» نتیجه را هم که باز همه می‌دانید! انتخابات را رقیب هاشمی برد و نام رقیب هاشمی هم خوانده شد! بگذریم که جناب هاشمی با نامه‌ای که آخرش هم نفهمیدیم مخاطبش دقیقاً کیست، تلویحاً مدعی تقلب شده بود! این سوای آن نامه موسوم به «نامه سرگشاده» است! یعنی اگر در اسلام، شرط‌بندی حرام نبود، من الان دارای تمام دارایی‌های این دوست‌مان شده بودم! این دوست ما این مدلی است که اولاً همیشه اپوزیسیون است! و هیچ هم فرقی ندارد که مثل الان، هم دولت و هم به عبارتی مجلس، دست هم‌طیف‌های سیاسی ایشان باشد! در هر حال، این منم که باید پاسخگوی قیمت پیاز، پراید، پوشک، پفک و پیپ باشم! و لابد می‌پذیرید که سیگار، دون شأن همچین دوست روشنفکری است! قطعاً این همه منورالفکری فقط و فقط با دود پیپ امکان بروز دارد! حالا بروم سراغ یک مثال دیگر! از خدا پنهان نیست، از شما چه پنهان که این دوست گرامی تا همین دو هفته پیش، مدام پیام‌های این مدلی برای حقیر می‌فرستاد که من باز مجبورم عینش را تکرار کنم؛ «این «آقا»تون اگر به مذاکره با امریکا خوش‌بین نبود و از قبل فرجام برجام را می‌دانست و می‌دانست که با دادن این بخش و آن بخش هسته‌ای هم تحریم لغو نمی‌شود و حتی بیشتر می‌شود، پس چرا مانع روحانی و ظریف نشد؟!» مختصر و مفید در جواب دوستم می‌نوشتم؛ «این درست که بر اساس دو مؤلفه شناخت و تجربه، حضرت آقا همه این روزها را می‌دیدند اما در یک جامعه اسلامی و انسانی، رهبر خودش را مکلف به دو مهم می‌داند؛ احترام به رأی مردم و اهتمام به رشد مردم! بله! رهبر انقلاب از همان اول هم می‌دانستند که گشایش اقتصادی با سازش سیاسی میسر نمی‌شود اما بنای آقا بر «احترام به رأی مردم» و «اهتمام به رشد مردم» است! بالاخره مردم به آقای روحانی رأی داده‌اند و شاید گمان‌شان این بود که اگر ما با امریکا دور یک میز بنشینیم، بخش مهمی از مشکلات‌مان حل می‌شود! اینجا، هم آقا به رأی مردم احترام گذاشتند و هم با تجربه‌ای که حاصل شد، اهتمام کردند به رشد ملت!» شگفتا! دوست ما باز هم ول کن معامله نبود و خیلی محکم جواب می‌داد؛ «همه این حرف‌ها درست، اما باز هم آقای خامنه‌ای نباید می‌گذاشت که این همه بی‌خود و بی‌جهت به امریکا اعتماد شود! ما هزینه تسلیم را نمی‌دانستیم، ولی ایشان که می‌دانست!» الساعه مخاطبم توی خواننده‌ای! باورت می‌شود دقیقاً همین دوست پیپی ما بعد از اطلاع از محتوای دیدار آبه با حضرت آقا، این پیام را فرستاد تلگرامم؛ «آیا بهتر نبود «آقا»تون پیام ترامپ را پاسخ می‌داد؟! و مگر غیر از مذاکره، چاره‌ای هم هست؟!» من البته برای آنکه کمتر مخ‌تان سوت بکشد، خلاصه کردم پیام دوستم را! اما نه! دوست دارم مخ‌تان بیشتر سوت بکشد! بگذارید چند مثال دیگر از این دوست بزنم! نسبتش با شریعتی مثلاً! دولت و مجلس اگر دست طیف من و ما باشد، این دوست ما حتی شریعتی‌پرست هم می‌شود! یعنی چنان زر و زور و تزویر و بلکه ابوذر را بر سر من و ما می‌کوبد که بیا و ببین! من و ما را می‌نشاند روی صندلی مصلحت و چنان با چماق عدالت و عدالت‌خواهی بر فرق‌مان می‌کوبد که حد ندارد! لیکن دولت و مجلس اگر دست همین آقای روحانی و شرکایی چون بیژن زنگنه باشد، من دیدم که به شریعتی چه‌ها نگفته! گاه می‌گوید؛ شریعتی اصلاً کی بود؟! گاه می‌نویسد؛ شریعتی تفنگ دست منافقین داد! گاه حتی این را هم دیدم نوشته که داعش ریشه در افکار شریعتی دارد! القصه! دیشب در تلگرام به من گفت که «بیا سکرت‌چت!» رفتم! تندتند داشت تایپ می‌کرد که؛ «تو فکر می‌کنی نجفی مقصر است؟! نخیر! مقصر، علی شریعتی است! نجفی در جوانی عاشق شریعتی بوده و این هم نتیجه‌اش! این که حالا نجفی است! من رفیقی در بغداد دارم که کلی تحقیق کرده درباره آبشخور فکری ابوبکرالبغدادی! ابوبکر هم گویی متأثر از شریعتی بوده...!» راضی باشید! به دوستم پیام دادم؛ «اتفاقاً من هم یک رفیق در مدینه دارم! این دوست من معتقد است که آن دو خلیفه دیگر هم بی‌تأثیر از شریعتی نبودند!» آری! دوم خرداد ۷۶ بهار مغلطه بود! سال‌ها پس از آن روز، ما نماز آقای «خ» به امامت آقای «ن» را هم دیدیم اما هرگز از دوم خردادی‌ها منطق ندیدیم! هر چه بود، تکرار سیاست بود اما سیاست به معنای سیاسی‌بازی! آخرین مثال را بزنم و خلاص! این دوست ما کشته‌مرده بازرگان است! همیشه برایم پیام می‌داد که «بازرگان، مرد اخلاق و مردم‌سالاری است»!

من که هیچ وقت نفهمیدم اخلاق و مردم‌سالاری، چه نسبتی با این دارد که تو برداری به یک انتخابات گسترده و با شکوه ۴۰ میلیون رأی، تهمت تقلب بزنی و نامزد مورد حمایتت، هنوز مردم در صف رأی هستند، خودش را فرد پیروز معرفی کند و ناشی از فتنه حاصله، حتی مسبب ریختن خون از هر دو سوی ماجرا شود؟! و آن همه آبروریزی! و آن همه مجال به دشمن! و آن همه جرقه برای تحریم! این روزها سالگرد دکتر شریعتی است! روحت شاد معلم قلم و دفتر و کتاب و سخنرانی که سیگار از دستت نمی‌افتاد! باورم هست نیم‌قرن اگر بیشتر زندگی می‌کردی، حتماً این حریت را داشتی که عوض اهل فلاسفه، اهل سفسطه را «پفیوزان تاریخ» بخوانی! آری! این چنین است برادر! زود رفتی و ندیدی بر ما چه رفت! مورد داشتیم مکرر که طرف به سراب، رأی داده یا مرداب را تکرار کرده اما همه تقصیر را انداخته گردن آب!